

با اعتراضات و تجمعات عمومی خواستار تامین کمکهای سریع به زلزله زدگان شویم.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری صفحه ۲



بمناسبت ۲۷مین سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران! سخنی با فعالین حزب در کردستان!

نسان نودینیان

هر روز ده ها رویداد اجتماعی و سیاسی پیرامون ما در جریان است. خیابان و کارخانه و محل کار به تصرف اعتراضات کارگران، معلمان و جنبشهای اجتماعی در آمده اند. اعتراض و مبارزه و اعتصاب از حیثه اتفاقات نادر بیرون زده و به امر دائمی مبارزه برای رهایی و خلاصی از دست حکومت اسلامی سرمایه، در آمده. کارگران و مردم درالتهاب سیاسی بالایی به وقایع خیره شده اند. در این میان دخالتگری، شرکت و حضور فعال فاکتورهای مهمی شده اند. دراعتصابات کارگران هفت تپه و فولاد اهواز ده ها نفر از کارگران دیده میشوند که با سخنرانی و آژیتاسیونهای گرم و طبقاتی علیه دولت و کارفرماها، ابراز وجود کرده اند. اعتصاب و میتینگ و راه پیمایی و خواستهای مشترک جنبه های مهم اعتراضات و سیمای سیاسی در شرایط کنونی هستند. رفقا! در چنین شرایط دینامیک و پر جنب و جوشی ما وارد ۲۷ مین سال تاسیس بزرگترین حزب کمونیستی درایران، حزب کمونیست کارگری ایران، میشویم.

در ۲۷ مین سالگرد تاسیس حزب کمونیست کارگری ایران، موقعیت حزب ما وارد فاز ودوره جدیدی شده است. تفاوت های ما، حزب و قدرت سیاسی، شورا و تشکل های کارگری، جایگاه رهبر عملی آژیتاتورهای حزب و سازماندهندگان حزب، سخنگویان توده ای و اجتماعی، و دستاوردهای پایه ای کمونیسم کارگری امروز باید به محور اصلی پراتیک اجتماعی درآیند. صفحه ۲

اطلاعیه های حزب کمونیست کارگری

صفحه ۶

هفدهمین روز اعتراض قدرتمند کارگران گروه ملی فولاد اهواز
خانواده ها وارد میدان شدند

اعتصاب و اعتراض کارگران گروه ملی فولاد اهواز
ما کارگران فولاد، علیه ظلم و بیداد، میجنگیم میجنگیم!

بیستمین روز اعتراضات قدرتمند کارگران نیشکر هفت تپه

لیست همبستگی با کارگران نیشکر هفت تپه:

فولاد اهواز: "کارگران بیدارند از استثمار بیزارند"

کارگران نیشکر هفت تپه: ما همه بخشی هستیم

نگاه هفته:

مجموعه اخبار و گزارشات هفته
از شهرهای کردستان

نسان نودینیان صفحه ۳

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

عزیزه لطف الهی صفحه ۴

کشته و زخمی شدن ۴ کولبر بر اثر مین

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری صفحه ۵

یادداشتهای هفته

صفحه ۹

عبدال گلپریان

کولبران و هفت تپه ای ها
متعلق به یک جنبش و صف واحد هستند

این فرصت تاریخی نباید از دست برود

به زندان انداختن منتقد و روزنامه نگار دفاع از حقوق کودک نیست!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ **بمناسبت ۲۷مین سالگرد...**

نسان نودینیان

به حزب مطرح در معادلات سیاسی، را پیمووده است. رفقا! به حزب خودتان با این همه دستاورد بزرگ و سراسری متکی شوید.

کردستان ایران جامعه ای تحزب یافته است. احزاب چپ و راست سابقه دیرینه ای دارند. مردم در کردستان سیاست و اعتبار سیاسی و برنامه ای آنها را تجربه کرده اند. مردم در کردستان افق و سیاستهای احزاب بورژوازی - مذهبی و ناسیونالیستی، چپ ستنی و کمونیسم کارگری را در عرصه های سیاسی و طبقاتی تجربه کرده اند. سازش و مماشات با جمهوری اسلامی، امتیاز دادن به مذهب و ارتجاع از جانب آنها، به یمن حضور فعال کمونیسم کارگری، نمی تواند بر احوتی بر روند رادیکالیسم مردم، و سرنوشتی حکومت اسلامی، تاثیر گذار باشد.

حزب ما، کمونیسم کارگری نقطه قدرت های زیادی دارد، خصلت سراسری و بین المللی حزب کمونیست کارگری، مهمترین نقطه قدرت کمونیسم در ایران و کردستان است. کمونیسم متحزب در آینده با خصلت های مبارزاتی و شخصیتهای شناخته شده فاکتور های تعیین کننده ای برای تاثیرگذاری بر روند تحولات سیاسی و اعمال هژمونی سیاسی است. کمونیسم ایران در نیم قرن گذشته به این نقطه قدرت متکی نبوده است. بر متن این دستاورد و سراسری بودن حزب کمونیست کارگری جایگاه رهبری، میدیای اجتماعی، تلویزیون کانال جدید قابل تعریف است.

تاثیرات پایدار روش های سبک کاری کمونیسم کارگری در کردستان در اعتراضات شهری (کارگری)، معلمان، جنبش برابری زنان، حقوق کودکان و... خود فاکتور مهم و تعیین کننده ای است. کمونیسم کارگری در کردستان الگو و فعالیتهای ارزنده ای در عرصه مبارزات توده ای، علیه ناسیونالیسم، اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی را تجربه کرده و به محک قضاوتهای مثبت و حمایت مردم گذاشته شده است. در شهرهای کردستان هر روز ما شاهد اقداماتی هستیم که به فضای سیاسی و همبستگی مردم کمک

با اعتراضات و تجمعات عمومی خواستار تأمین کمکهای سریع به زلزله زدگان شویم.

ایجاد این وضع دهشتناک و جهنمی نقش مستقیم دارند.

در جریان زلزله ۲۱ آبان سال ۱۳۹۶، موجی وسیع از کمک های مردمی برای مردم زلزله زده سازماندهی شد. صحنه های شورانگیز کمک رسانی مردم در آن روزها در میدیای اجتماعی به بزرگترین پوشش خبری تبدیل شد. ما مردم در سطح سراسری کشور و کردستان را فرا میخوانیم برای سازماندهی کمک رسانی مردم زلزله زده اقدامات خود را سازماندهی و شروع کنند.

با اعتراضات و تجمعات عمومی علیه حکومت اسلامی، خواستار تأمین و کمکهای سریع به زلزله زدگان شویم. سعادت و خوشبختی مردم در ایران در گرو بزرگترین کمک رسانی حکومت هار اسلامی سرمایه است.

زنده با همبستگی های صمیمانه مردم با زلزله زدگان! کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ۵ آذر ۹۷ ۲ نوامبر ۲۰۱۸



بار مسئولیت آن بر عهده حکومت اسلامی است. وقوع زلزله در دنیای امروز از طرف دولتها با ایمن سازی مناطق زلزله خیز و منازل مسکونی در کشوری همچون ژاپن اکنون قابل پیشگیری از نظر امنیت جانی شهروندان شده است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری رژیم اسلامی را مسئول در قبال جان و امنیت شهروندان میدانند و باید سرعت تمامی امکانات و نیازمندیهای لازم را برای کمک به آسیب دیدگان اختصاص دهد. همانگونه که بارها طی حاکمیت این رژیم در سراسر کشور شاهد بوده ایم، مقامات، نهادها و غارتگران حاکم بر هستی مردم نه تنها کمترین کمکی به زلزله زدگان اختصاص نداده اند بلکه مانع از هر گونه کمک و همکاریهای مردمی و سازمانها و نهادهای اجتماعی به زلزله زدگان شده اند. نیروهای سرکوب و لاشخورهای اسلامی با ضبط و مصادره کمکهای مردمی و بازداشت و زندانی کردن فعالین اجتماعی، نشان داده اند که نه تنها هیچگونه مسئولیتی بر عهده نمیگیرند بلکه خود مستقیماً در

عصر یکشنبه ۴ آذرماه شب زلزله ای بقدرت ۶.۴ ریشتر که مرکز آن ۱۷ کیلومتری سرپل ذهاب و در عمق هفت کیلومتری زمین برآورد شده است، کرمانشاه و شهرهای اطراف آن از جمله: "سرپل ذهاب، قصرشیرین، گیلنغرب، اسلام آبادغرب، دالاهو، ثلاث بابا جانی و جوانرود تا سلیمانیه کردستان عراق را بلرز در آورد. بنا به اخبار منتشر شده شمار مصدومین در استان کرمانشاه به ۷۲۹ نفر رسیده است؛

سختگویی اورژانس ایران گفته است که از بین ۷۲۹ مصدوم زمین لرزه، تعداد ۳۷ نفر بستری شده اند و شمار مصدومان به ترتیب ۳۷۲ نفر در سرپل ذهاب، ۱۰۹ نفر در قصر شیرین، ۱۷۰ نفر در گیلانغرب، ۵۴ نفر در اسلام آبادغرب، ۶ نفر در دالاهو، ۵ نفر در ثلاث باباجانی و یک نفر در جوانرود بوده است. همزمان رسانههای محلی گزارش داده اند که این زمین لرزه به مرگ دو نفر در اقلیم کردستان عراق منجر شده است.

وقوع این زلزله در مناطقی رخ داده است که ساکنان آن هنوز بر اثر زلزله سال قبل همچنان بدون ترمیم خانه و زندگی شان در کانکسها شب و روز دردناکی و زجر آوری را از سر میگزرانند. اینبار زلزله نه تنها منازل مسکونی بلکه کانکس زلزله زده های سال قبل را را هم درنوردید و آنها را بر سرشان خراب کرد.

نا امنی جانی و در مخاطره افتادن زندگی مردم با وقوع این نوع زلزله های زنجیره ای چه بطور طبیعی باشد و یا از قبل آزمایشات زیرزمینی سپاه پاسداران، تمامی

میکند. ده ها کانون دفاع از حقوق کودک، جنبش آزادی زن، کانون های دفاع از محیط زیست، تاترهای خیابانی، کانونهای حمایت از حقوق کارگران و معلمان دستاوردهای چهار دهه گذشته هستند، این جنبشها و کانونها با حضور سخنگو و سخنران و فعالین میدانی خود از ویژگی های خاصی برخوردار هستند که حاصل سیاست و تلاشهایی است

جنسی، علیه ناسیونالیسم و اسلام سیاسی و مذهب دارد. حزب محبوب ومورد باور مردم است. در شرایط پر التهاب کنونی دست در دست هم مردم را به پیوستن به حزب کمونیست کارگری، دعوت کنیم.

زنده باد حزب کمونیست کارگری ۱۳۹۷ ۲۶ نوامبر ۲۰۱۸

که کمونیسم کارگری در ۴ دهه گذشته برایشان تلاش کرده و جنگیده است.

در خاتمه؛ حزب کمونیست کارگری بر مبنای جهتگیری های سیاسی و دخالتگری اجتماعی اعتبار و نفوذ بالایی در کردستان، در جنبش کارگری، معلمان و مدافعین حقوق کودکان، جنبش آزادیخواهان زنان، و علیه آپارتاید

نسان نودینیان

نگاه هفته:

مجموعه اخبار و گزارشات هفته
از شهرهای کردستان

روز جهانی منع خشونت علیه زنان؛ سخنی در باره جایگاه زنان آزادیخواه و برابری طلب در شهرهای کردستان. هر چند جامعه شهری کردستان را نمیتوان با دهه های پیشین مقایسه کرد، با وجود وزنه بالایی از پیشرفت فرهنگی و اجتماعی، رشد مدرنیسم و رشد گرایش چپ و سوسیالیستی به نفع و تقویت جنبش برابری زن، اما، ما هنوز در شهر و روستاهای کردستان گرایش زن ستیزی و مردسالاری و سنن عقب مانده مذهبی علیه زنان را می بینیم. فعالین جنبش برابری زنان در شهرهای کردستان در عرصه زنان فعالیتهای قابل توجه و پیگیری را دارند. تعداد زیادی از آنها بعنوان شخصیت های اجتماعی جنبش برابری زنان چهره های شناخته شده هستند. در این شماره از ستون "نگاه هفته" از صفحه کانال تلگرامی "زن و زندگی" نوشته ای را با بایتیتر "من زنم و در کشوری که تمام امتیازاتم رو استثمار کرده اند زندگی میکنم" را منتشر کرده ایم.

کشتن کولبران متأسفانه از ارقام تلخ خبرهای کردستان است. کولبران بطرق مختلف کشته میشوند، در میدانهای مین، شلیک مستقیم توسط نیروهای مزدور انتظامی و یا کمین گذاری و پرتاپ از ارتفاعات بلند کوه ها و یا سگته قلبی، حکومت اسلامی مسبب کشتن، زخمی و معلول شدن صدها نفر از انسانهایی است که برای تامین حداقل معیشت دست به کولبری میزنند. کشتن کولبران را با حرکتی اعتراضی گسترده باید محکوم کرد. کار یا بیمه بیکاری شعار و خواست همه کولبران است.

با مبارزه متحدانه، با تشکیل شوراها جهت انجام اعتراضات توده ای به جهنی که حکومت اسلامی بوجود آورده است بمیدان بیایم. و گزارشهای خبری از جلسه ی هفتهگی برای کودکان - پیرانشهر در این ستون منتشر شده است.

و گزارش انجمن محیط زیست ولات بوکان، باید مورد توجه

میدیای اجتماعی قرار گیرد. این انجمن در چند سال گذشته برای حفظ محیط زیست فعالیتهای موثری انجام داده است. اخیراً نهادهای حکومت اسلامی دست به اقدامات مضر علیه فعالیتهای این انجمن زده اند و انجمن محیط زیست بوکان فشارهای این نهادها را پوشش خبری داده است. حمایت از فعالیتهای این انجمن امری فوری است که اساساً توسط انجمنهای زیست محیطی باید انجام گیرد.

من زنم و در کشوری که تمام امتیازاتم رو استثمار کرده اند زندگی میکنم

من زنم و زن بودم باعث افتخارم هست و با تمام قوا در برابر نابرابریها و ستم ها و سنت های غلط مبارزه میکنم و هیچ وقت از زن بودنم احساس شرم نداشته و ندارم. نابرابر بودن زن و مرد و زیستن در جامعه مردسالار، باعث شده که ما احساس کنیم ناتوانیم اما ما در برابر دژ ستم و ظلم می ایستیم و تا آخرین قطره خون خود مبارزه میکنیم و با صدای بلند فریاد میزنیم نه به تبعیض نه به حجاب اجباری نه به خشونت علیه زنان

۲۵ نوامبر نه به خشونت علیه زنان

کولبران

۳۰ آبان، ۴ کولبر ساکن مریوان در مناطق مرزی این شهر نزدیک روستای ساجی بر اثر مینهای دوره جنگ ایران و عراق زخمی میشوند. بعد از مدتی بر اثر جراحات سنگین ناصر بانوج جان خود را از دست میدهد.

گزارش جلسه هفتهگی
برای کودکان - پیرانشهر -
یکشنبه ۹/۱۳۹۷/۴

بررسی و جمع بندی نقاط ضعف و قوت نمایشگاه نقاشی کودکان، که هفته گذشته بمناسبت سالیاد زلزله کرمانشاه برگزار شد.

ارائه نظرات و ایده هایی از سوی ۳ تن از اعضای تشکل و تحلیل و بررسی آنها توسط حاضرین، برای

اجرا و برنامه ریزی در چهارچوب برنامه های آتی برای کودکان.

جلسات هفتهگی برای کودکان "روزهای یکشنبه ۳/۳۰ تا ۵ عصر در کافه کتاب اندیشه پیرانشهر برگزار خواهد شد. حضور برای همه علاقمندان به حوزه مسایل کودکان آزاد است.

گزارش اختتامیه نمایشگاه نقاشی کودکان در پیرانشهر (به مناسبت سالگرد زلزله کرمانشاه)

روز چهارشنبه ۳۰ آبان ۹۷ ساعت ۵ عصر نمایشگاه نقاشی کودکان پس از ۳ روز پذیرایی از بازدید کنندگان عزیز با هنر نمایی تعدادی از نوجوانان هنرمند و اجرای چند قطعه موسیقی و شعر خوانی کودکان با موفقیت بکار خود پایان داد.

"برای کودکان" مراتب قدردانی خود را از همه نهادها، ارگانها، مدارس، مهد کودکیها، رسانه هایی که در پوشش خبری این نمایشگاه دریغ نکردند و همچنین شهروندانی که با همکاری و حضور خود در به سرانجام رساندن این مهم یاریمان داده و مایه دلگرمی ما شدند نهایت تقدیر و تشکر خود را اعلام داشته و برایشان بهترینها را آرزو دارد. امید است که در پیمودن راه پر پیچ و خم رسیدن به بلندی انسانیت و بر ساختن جهانی شایسته انسان همچنان یاور و همراه ما باشند.

به امید تحقق یک دنیای بهتر

دستگیری در بانه و دیواندره

بانه؛ سوم آذرماه، "سینا احمدی" اهل شهرستان بانه توسط نیروهای اطلاعاتی بازداشت شد. نیروهای اطلاعاتی به منزل شخصی سینا احمدی "یورش برده و او را بازداشت کرده اند.

بانسه؛ "پیام انوری و رضا مریمی" از سوی نیروهای اطلاعاتی بازداشت شدند.

دیواندره؛ سوم آذرماه، یک فعال صنفی معلمان به نام "حامد زرگی" اهل شهرستان دیواندره از سوی نیروهای اطلاعاتی وابسته به اداره اطلاعات سپاه بازداشت و به قرارگاه شهرامفر سپاه سنجند منتقل شده است.

مردم فریخته
شهرستان بوکان:

انجمن محیط زیست ولات بوکان قریب به چهار سال است، جهت پاسخ به ضرورت های زیست محیطی و کاشت یک سنت پیشرو و انسانی در راستای مصالح جامعه و کشور اعلام موجودیت کرده است. علیرغم دست اندازهای فراوان در مسیرش، تاکنون به اتکای جوانان سلیم و شرافتمند این جامعه، توانسته است، تأثیرات قابل ملاحظه ای در سطح شهرستان داشته باشد. برای مثال میتواند به نقش بازدارندگی این انجمن در تخریبات زیست محیطی اعم از فضای سبز شهری و غیره اشاره کرد. محرز است که شرایط وخیم

محیط زیست کشورمان، ضرورت حضور متشکلانه ای احاد جامعه را می طلبد. طبعاً جامعه با توجه به نرخ رشد آگاهی این و خامت را درک نموده و اعلام حضور کرده است. این حضور نیازمند کانالیزه شدن و همکاری با ارگانهای مرتبط است که در نتیجه آن بخشی از مشکلات محیط زیستی حل و فصل میشود. چنین مشارکتی ملزومات استراتژی توسعه پایدار را نیز تأمین میکند. لاجرم این نوع مساعی اجتماعی و مدنی فرصت بسیار مناسبی برای تداوم صیانت و سازندگی در کشور است. پس شایسته است، دفاتر وزارت کشور در شهرها با گشایش نظر این حضور را رسمیت و توسعه بخشند، نه اینکه تنگ نظرانه برای انزوای انجمن ها آستین بالا بزنند.

به اطلاع مردم شهرستان، انجمن ها و فعالین اجتماعی و مدنی می رسانیم که مدتیست انجمن محیط زیست ولات بوکان با تنگ نظری مسئولین شهر مواجه شده و بطور روزمره با هشدارهایی مبنی بر تعلیق فعالیت و بستن دفتر کار خود، دست و پنجه نرم میکند.

از شما مردم فریخته، نهادهای مدنی و اجتماعی انتظار داریم، همچنانکه همیشه گرمای وجود شما سروران گرمی را در کنار خود حس کرده ایم، اکنون نیز در کنار فرزندان سلیم خویش بمانید.

انجمن محیط زیست ولات بوکان.

شوراهای سازماندهی اعتراضات را در همه جا ایجاد کنیم

حکومت اسلامی آشکارا مستاصل است و در بحران لاعلاج دست و پا میزند. توان کنترل جامعه به شکل سابق را ندارد. مردم نیز نشان داده اند که تحمل این شرایط را ندارند. باید مبارزات مان را سازمان یافته و سراسری کنیم.

یک ابزار مهم هدایت و سازماندهی مبارزات در این شرایط، شوراهای سازماندهی اعتراضات است. شوراهای سازماندهی میتوانند در همه محلات و شهرها ایجاد شوند و اعتراضات مردم را رهبری کنند، مردم را حول خواست های سیاسی و رفاهی و حول خواست های آزادیخواهانه و عدالت طلبانه متحد نگهدارند و نقش رهبری میدانی مردم را بعهده بگیرند.

اکنون وقت سازماندهی اعتراضات شهری در سراسر کشور است.

حزب کمونیست کارگری فعالین سیاسی و فعالین و رهبران کارگری و جوانان معترض را فرامیخواند در هر شهر و محلی که میتواند، شوراهای سازماندهی اعتراضات را ایجاد کنند، جوانان و مردم معترض و پر شور را در این شوراها جمع کنند و با استفاده از روابط و امکانات خود و با استفاده از مدیای اجتماعی حلقه تماس خود با مردم شهر را گسترش دهند.

زنده باد شورای سازماندهی اعتراضات در سراسر کشور

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

عزیزه لطف الهی



سندج به مناسبت بیست و پنجم نوامبر

کمیته زنان موسسه فرهنگی اجتماعی زاگرس به مناسبت بیست و پنجم نوامبر روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان اقدام به پخش بروشور در میان شهروندان سندج نمود.

بر اساس گزارش رسیده روز جمعه دوم آذرماه، کمیته زنان موسسه فرهنگی اجتماعی زاگرس با پخش بروشور ویژه به مناسبت روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان در میان شهروندان سندجی در پارک کودک در قبال خشونت علیه زنان در جامعه موضع گرفتند.

این اقدام کمیته زنان موسسه فرهنگی اجتماعی زاگرس با استقبال گرم شهروندان در سندج روبرو گردیده است.

کمیته زنان موسسه فرهنگی اجتماعی زاگرس هدف از پخش بروشور ویژه به مناسبت روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان را "تأکید بر اهمیت این روز و افزایش سطح آگاهی شهروندان برای مقابله با فرهنگ خشونت علیه زنان" اعلام کرده است.

موسسه فرهنگی اجتماعی زاگرس در این پیام به زنان و مردان سندج پیشنهاد کرده که با همکاری

یکدیگر به خشونت علیه زنان پایان دهند.

نامه آنا دائمی: برای ۲۵ نوامبر، روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان!

شاید این نامه بس طولانی به نظر آید اما مسائل موجود در قرچک برای يك بار هم که شده ارزش خواندن و فکر کردن دارد!

اولین موضوعی که میخواهم از آن بگویم یکی از بزرگترین و جدی ترین مسائل موجود در قرچک، آن گوشه متروک فراموش شده می باشد!

مت بازی! اصطلاحی است رایج در زندان قرچک و سایر زندانهای ایران، بسیاری ممکن است از این

زندگی می کنند، شبی در قرنطینه قرچک بر بالین زنی بودم و مراقب او، که این زن به دلیل سوء مصرف چند نوع ماده مخدر دچار توهم شده بود که مرد است و دارای آلت رجولیت... در آن جا زنی هستند که مجبور به ازدواج در سنین نوجوانی بودند و پس از مدتی زندگی تکراری در اوج جوانی به دنبال تنوع رفته اند، به همسران خود خیانت کرده و برای رهایی، به دلیل شرایط سخت طلاق برای زنان و تقریباً غیرممکن بودن آن برای قشر به شدت سنتی و مذهبی، مرتکب قتل همسران خود شده اند و با جرم قتل و حکم قتل در زندانند، اما با وجود عشقی که منجر به قتل بوده، در زندان از معروفترین مت بازاها هستند، به راحتی می شود پی برد که اینان در کودکی و نوجوانی به خاطر زن بودن به شدت تحقیر شده اند، همان پسرها شیرند و شمشیر و خدا طور و دختران خرگوش و موش و ضعیفه و... این زنان که مرتکب قتل و قاچاق مواد و سرقت کلان شده اند و جزء خفن ها و حبسی سنگین ها هستند، باز به خاطر سنت و فرهنگ مردسالاری حاکم که در آنها نهادینه شده، همواره خود را ضعیف می پندارند، اینان که هیچ اطلاعی از حق و حقوق و شان انسانی خود ندارند همواره می خواهند کسی که از خود قوی تر باشند، حامی، عاشق، شیفته، تکیه گاه، آقا بالا سر...

اینان در این مت بازی نقش زنان را ایفا می کنند، زنی که همواره ضعیف و حسود خطاب می شوند، زنی که مراقب مت خود هستند و به هر طریقی به دنبال جلب نظر مساعد آنها هستند، با خودکار قرمز، قرص پروفن و خمیردندان و کش سوخته خود را می آریند، آنها در این مت بازی ها همان بازیگر نقش اصلی زنی هستند که چهل سال است آنها را در همین حد می خواهند! کسانی که نقش مقابل را ایفا می کنند دو دسته اند، دسته ای همیشه می خواستند آزاد و قوی باشند نمیخواهند برابر با مردان باشند بلکه میخواهند نقش مرد را در يك جامعه مرد سالار بازی کنند، همچون آنها اختیار هرکاری را داشته باشند، سرور و والا باشند! مانند آنها لباس می پوشند، سوار موتور می شوند، کارهایی که تحت عنوان کارهای مردانه نامیده شده اند،

انجام می دهند دوست دارند به هنگام تعریف و تمجید به آنها گفته شود "خیلی مردی" از خود مهارتهایی نشان می دهند که در جمع مردان پذیرفته شوند اینها زنی اند که از جنسیت خود فراری و متنفرند و زنان را همچون برخی مردان ضعیفه خطاب میکنند. گاهی تشخیص آنها از مردان کار سختی است.

اما دسته دوم کسانی هستند که زن بودن خود را باور دارند اما در زندان به دنبال ارائه قدرت برتری خود در غالب مردانه اند، میدانند که بیرون زندان، به زندگی عادی خود بازخواهند گشت، و باز همسر و مادر خواهند بود... و اما در زندان باید مرد باشند. هر دو دسته در زندان همچون مردان راه می روند، همچون مردان سینه سپر می کنند، همچون آنها حرف میزنند، نظیر برخی الفاظ و فحش های مردانه که توهین آشکار به زنان است را مدام تکرار میکنند، به رخ کشیدن موی دست و پا و صورت و ابرو برایشان به نوعی اثبات مرام مردانه شان است.

حامیان مت خود هستند، به خاطر آنها تن به هر کاری می دهند، دعوا و کتک کاری و حتی قتل، غیرت و ناموس پرستند. و چه تلخ مسئولین زندان آنها را وادار میکنند چادر به سر کنند تا مورد خنده و تمسخر قرار گیرند. زنی که خود را کاملاً مرد میپندارند و حتی نامهای مردانه برای خود اختیار کرده اند! اما در اغلب هم جنس گرایان، آنها به جنس، خود توهین نمیکنند و در پی تغییر آن نیستند. در این زندانی که هزار و دویست زندانی دارد تعداد قابل توجهی از ترنس ها نیز هستند، یا ازسر فقر فرهنگی و اقتصادی توان درمان و جراحی وحتی بازگو کردن آنچه هستند را ندارند و یا جراحی کرده ولی به دلیل سختی و پرهزینه بودن درمان آنها را رها کرده اند و حال در زندان با انواع تمسخر و تحقیر مواجه اند، که در دنیای آزاد هم غیر آن را تجربه نکرده اند. مادامی که در زندانند با تمایلات خود چه کنند؟

کمتر کسی است که پا به زندان قرچک گذاشته باشد و مریم-ز و فاطمه-ف را ندیده یا نامشان را نشنیده باشد. مریم ۳۰ساله و فاطمه چند سالی بزرگتر، هر دو انسانند اما آنها را جز خطرناک ترین ها در

زندان می نامند. فاطمه وقتی ۱۰ ساله بود گرفتار اعتیاد شد و ۱۳ سالگی او را مجبور به ازدواج کردند مریم چند سالی زیر سن قانونی بود به اتهام سرقت بازداشت شد و فاطمه به اتهام فروش مواد، برایشان مدتی حبس در نظر گرفتند اما حال یکی ۱۸سال و دیگری ۱۴سال است که در زندانند و در این مدت به سبب ارتکاب جرمهای متعدد به سالهای حبس آنها اضافه شد، یکی در زندان مرتکب سه قتل و دیگری دو قتل شد و به خاطر مت بازی بوده است، یا در حین تجاوز به شخصی او را کشتند یا به دلیل خیانت و یا به این دلیل که شخصی به قول خودشان به آنها پا نداد، غیر از قتل، جرمهای دیگر من جمله نقص عضو کردن دیگران... نیز مرتکب شده اند، چهره شان مردانه و چند سالی از سن حقیقیشان پیرتر می نمایند، قوز شدیدشان که ناشی از کوتاهی تختهای زندان است به شدت نمایان است.

به من اجازه صحبت به آنها را نمی دادند. مریم را اولین بار در بهداری در حالی دیدم که برای پانسمان دستش آمده بود، دستی که او خود با دندان گوشت آن را کنده بوده و حال چند ماهی ست که هر دو در بیمارستان روانی امین آبتد غل و زنجیر شده اند، هر دو مبتلا به بیماری هستند یکی ایندز و دیگری هپاتیت، از آنجا که در قرچک بهداشت امری بی معناست و همه زندانیان با هر جرمی و شرایط، بیمار و غیر بیمار با هم نگه داری می شوند، انواع و اقسام بیماری به راحتی به دیگران سرایت میکنند کسانی که بیشتر به این دو نزدیک بودند، میگفتند در حالت عادی این دو افرادی مهربان و دوست داشتنی و هنرمند در ساخت کارهای دستی ظریف، ولی هیچ وقت، هیچکس به آنها کمک نکرده است و در زندان آنها را به جنون رسانده، به راستی آیا این دختران جوان را نمی شد به زندگی بازگرداند؟ آیا نمی شد با مدیریت صحیح و فراهم کردن شرایطی بهتر خواسته های آنها را تامین کرد؟! چه بسیاری از دختران جوان و زیبایی که به دلایل مختلف و حتی مسخره راهی زندان میشوند، به جرایمی که میشود بدون در نظر گرفتن حبس در چنین فضایی که بستر هر آنچه شدن

اخبار و گزارشات هفتگی...

از صفحه ۴

مهیاست، آنها را مجازات کرد و میشود با اندیشیدن تداپیروی اندک، میزان ارتکاب جرم را کاهش داد، دختران دیروز که امروز جنایت کار شده اند، همان دختران امروزند که برای اولین بار به دلایل مختلف به زندان قرچک منتقل می شوند و به دلیل ترس و برای تلاشی زنده ماندن تن به همکاری میدهند، حتی به کارهایی که به راستی از آن متنفرند و حتی در دنیای بیرون آن را ندیده اند. روزی خود قربانی اند و روزی خود قربانی می کنند...

همه اینها در حالی ست که روسای زندان وجود این افراد و مت بازی را کاملا انکار می کنند و برایشان جمع آوری خودکار قرمز و پروفن و ریمیل دست ساز و تاپ و شلوارک و فنکدک و محروم کردن زندانیان از خیار و موز، اولویت اول است تا چاره اندیشیدن برای تامین نیازهای جسمی و روانی و حقوقی و جنسی زندانیان.

باز هم میگویم که خاک پای تمام زندانیان آن زندان هستم و مسائل آنها چون باری بر دوشم سنگینی میکند. و خواهان مجازات کسانی هستم که تحت هر نامی خود را مجازات کننده مجرمین می دانند و حال آنکه خود مسبب تمام این جرمها و تمام رنج ها و دردهای هم سنان من هستند. این درد نامه ها ادامه دارد.

آتنا دائمی فعال حقوق بشر
آذر ۹۷-بند زنان زندان اوین

خودکشی یک دختر ۹ ساله در تهران

یک دختر ۹ ساله تحت تاثیر یک فیلم هندی در شهرک رضویه خاوران تهران اقدام به خودکشی کرد و با حلق آویز کردن خود جانش را از دست داد سهم نوجوانان ایرانی از خودکشی های سالانه بیش از ۷ درصد از سوی پزشکی قانونی اعلام شده است.

خودکشی نرمین صمدی

روز دوشنبه بیست و هشتم آبان ماه، یک زن به نام "نرمین صمدی" اهل بوکان به دلیل اختلافات خانوادگی به زندگی خود پایان داد. این زن که دارای دو فرزند می باشد با خوردن قرص اقدام به خودکشی کرد. نرمین صمدی پس از انتقال به

بیمارستانی در ارومیه در جاده بوکان - ارومیه قبل از رسیدن به بیمارستان جان خود را از دست داده بود.

باز هم خودکشی ۷ زن در تهران و شهرهای شمال و غرب ایران

هفت زن به دلیل فقر و مشکلات اقتصادی و معیشتی در شهرهای تهران، فریدون کنار، ارومیه، سردشت، اشنویه و لیکک دست به خودکشی زدند.

صبح چهارشنبه ۲۳ آبان ۹۷ یک دانش آموز کلاس یازدهم در تهران با پرش از طبقه سوم مدرسه اقدام به خودکشی کرد و پس از ۲۴ ساعت تلاش پزشکان برای نجات وی، در بیمارستان جان باخت.

روز سه شنبه ۲۲ آبان ۹۷ یک دختر جوان در منطقه شیخ تپه ارومیه خودکشی کرد.

روز دوشنبه ۲۱ آبان ماه ۹۷ یک دانش آموز دختر به نام سیمنا دموری که زیر ۱۸ سال سن داشت در شهر لیکک شهرستان بهمئی از توابع استان کهگیلویه و بویراحمد اقدام به خودکشی کرد و جان خود را از دست داد.

روز شنبه ۱۹ آبان ۹۷ یک زن جوان به نام تروسکه رسولیان ۳۲ ساله در شهرستان اشنویه خود را حلق آویز نمود و به زندگی خود پایان داد.

روز جمعه ۱۸ آبان ۹۷ نیز یک زن از اهالی روستاهای اطراف شهرستان فریدون کنار در استان مازندران خود را به دار آویخت.

همچنین یک دختر ۲۳ ساله اهل بجنورد با مصرف قرص برنج در سواحل شهرستان فریدون کنار به زندگی خود پایان داد.

روز یکشنبه ۱۳ آبان ۹۷ یک زن ۴۵ ساله اهل سردشت به نام آمنه ابراهیمی به دلیل فقر و مشکلات معیشتی جان خود را گرفت.

از ماه مارس تا پایان اکتبر آمار ثبت شده زنان و دخترانی که خودکشی کردند ۸۰ نفر می باشد.

بر اساس آمار سالنامه آماری پزشکی قانونی که در شهریورماه ۹۷ منتشر شد، آمار خودکشی زنان در ایران

تنها در سال ۹۶ بیش از ۱۳۶۵ نفر، یعنی روزانه حداقل ۴ زن، بوده است.

صدیقه مرادی زندانی سیاسی که ۶ سال در حبس بود، از زندان آزاد شد.

صدیقه مرادی از زندانیان دهه شصت بود و شاهد اعدامها و قتل عام سی هزار زندانی در تابستان ۶۷ بود. آزادی سه تن از بازداشت شدگان اخیر سنندج وریا خسروی و سحر کاظمی دو فعال محیط زیست

بازداشتی که بیشتر توسط نیروهای امنیتی در سنندج بازداشت شده بودند جهت شرکت در مراسم ختم والدین شان به صورت موقت با تودیع وثیقه آزاد شدند. همچنین مهوش امیری، مادر سحر کاظمی، نیز با قرار منع تعقیب از بازداشتگاه

اطلاعات سنندج آزاد شد. شبکه حقوق بشر کردستان مطلع شده است که بعد از بازداشت وریا خسروی فعال محیط زیست توسط نیروهای

امنیتی در حسن آباد سنندج، مادر وی دچار حمله قلبی شده بود و بعد از چند روز بستری در یکی از بیمارستان های تهران فوت کرد.

همچنین شامگاه ۲ آذرماه، پدر سحر کاظمی نیز بر اثر یک سانحه رانندگی در جاده سنندج به موجش فوت کرده است. * * *

کشته و زخمی شدن ۴ کولبر بر اثر مین

۳۰ آبان، ۴ کولبر ساکن مریوان در مناطق مرزی این شهر نزدیک روستای ساوجی بر اثر مینهای دوره جنگ ایران و عراق زخمی میشوند. بعد از مدتی بر اثر جراحات سنگین ناصر بانوج جان خود را از دست میدهد. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران مرگ ناصر بانوج را به خانواده، بسنگان و مردم شهر مریوان تسلیت میگوید.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران، کشتن کولبران را که توسط حکومت اسلامی بطرق مختلف انجام میشود، در میدانهای مین، شلیک به آنها، حمله و کین گذاری علیه کولبران را محکوم میکند.

سزنگون باد
حکومت اسلامی
کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۱ آذر ۹۷
۲۲ نوامبر ۲۰۱۸

جای معلم زندان نیست
Beheshti | Habibi | Abdi

کلیه معلمان زندانی فوراً و بی قید و شرط باید آزاد شوند.

اهم خواست های معلمان

تحصیل رایگان، درمان رایگان، افزایش حقوق بالای ۶ میلیون، آزادی معلمان زندانی، ایمن سازی مدارس، کیفیت بهتر آموزشی، لغو خصوصی سازی و کالایی کردن آموزش، بازگرداندن میلیارد ها تومان ذخیره صندوق معلمان که به تاراج رفته است. در یک کلام معلمان به فقر و گرانی و بی حقوقی و فساد و بساط دزدسالار اسلامی اعتراض دارند.



اطلاعیه های حزب کمونیست کارگری

بیستمین روز اعتراضات قدرتمند کارگران نیشکر هفت تپه

روز سوم آذرماه کارگران نیشکر هفت تپه بیستمین روز اعتصاب را پشت سر گذاشتند و مانند روزهای دیگر در شهر دست به راهپیمایی زدند و با شعار کارگر زندانی آزاد باید گردد همبستگی مردم شهر را جلب کردند. کارگران خواهان آزادی فوری اسماعیل بخشی رهبر محبوب و جسور خود و سپیده قلیان، دختر دانشجویی که در جریان این اعتراض بازداشت شده، هستند و بر سایر خواست هایشان پافشاری میکنند.

یآوری معاون وزیر کار شایعه کرده بود که کارگران به اعتصاب پایان داده و مطالبات آنها پاسخ گرفته است. کارگران با ادامه اعتصاب و تجمع در مقابل فرمانداری شوش، این یأوه گویی ها را افشا کردند و بر تداوم اعتصاب خود پافشاری کردند. در راهپیمایی امروز در شهر شوش کارگران شعار میدادند ترسید، ترسید، ترسید ما همه با هم هستیم، کارگر می میرد، ذلت نمی پذیرد. کارگران همچنین علیه رستمی و بیگی شعار داده و خواستار کوتاه شدن دست سهامداران دزد و چپاولگر بخش خصوصی از کارخانه شدند. کارگران نیشکر هفت تپه خواستار اداره کارخانه تحت نظارت شورای خود هستند. زیر فشار اعتراضات این کارگران يك ماه از دستمزد آنان پرداخت شد. اما کارگران هنوز سه ماه دستمزد طلب دارند و خواستار تسویه حساب کامل، باطل شدن کلیه پرونده های قضایی علیه کارگرانی که دستگیر شده بودند، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات خود و مقدم بر همه آزادی اسماعیل بخشی و سپیده قلیان هستند.

موجی از حمایت از کارگران نیشکر هفت تپه در سراسر کشور جریان دارد. از دانشجویان دانشگاه ها تا کارگران مراکز مختلف کارگری، از معلمان و بازنشستگان و رانندگان تا تشکل های مختلف کارگری، صدها فعال کارگری، کارکنان بیمارستان ها و زندانیان سیاسی و بازاریان و برخی اتحادیه های کارگری در کشورهای مختلف با ارسال پیام و انتشار بیانیه هایی با اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه اعلام همبستگی کرده و خواهان آزادی کارگران زندانی و تحقق مطالبات آنها شده اند. در خارج کشور آکسیون های متعددی در اروپا و آمریکای شمالی توسط فعالین حزب کمونیست کارگری و برخی احزاب و سازمان های دیگر شروع شده است و تلویزیون کانال جدید و بسیاری از رسانه های فارسی زبان این مبارزه را وسیعاً پوشش داده اند.

حزب کمونیست کارگری بر گسترش همبستگی با کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز تاکید میکند و کارگران سراسر کشور بویژه کارگران و مردم شوش و اهواز و سایر شهرهای خوزستان را به حمایت فعالانه از این مبارزات فرامیخواند و بر اهمیت حضور خانواده های کارگران نیشکر و فولاد تاکید میکند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۳ آذر ۱۳۹۷، ۲۴ نوامبر ۲۰۱۸

بیست و دومین روز اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه سندبکای خود را ارج میگذارند

روز پنجم آذرماه کارگران نیشکر هفت تپه در بیست و دومین روز اعتراضات قدرتمندشان و بدنبال تهدید مدیر عامل سابق شرکت مبنی بر "غیر قانونی" بودن صفحه ۷

دوازدهمین روز اعتصاب و اعتراض کارگران گروه ملی فولاد اهواز ما کارگران فولاد، علیه ظلم و بیاد، میجنگیم میجنگیم!

روز سوم آذرماه کارگران گروه ملی فولاد اهواز در دوازدهمین روز اعتراضاتشان در مقابل استانداری تجمع کردند و با شعارهای "ما کارگران فولاد، علیه ظلم و بیاد، میجنگیم میجنگیم"، "دولت، مافیای پیوتدانتان مبارک"، کارگر می میرد، ذلت نمی پذیرد" به اعتراض قدرتمند خود ادامه دادند. سپس مارش عظیم کارگران در خیابان های شهر با شعارهای کوبنده آنها به راه افتاد.

هنگامیکه کارگران قصد عبور از پل نادری را داشتند با مانع نیروهای انتظامی روبرو شدند. چند هزار کارگر با شعارهای می ایستیم میمیریم حقمون را میگیریم، نترسید نترسید ما همه با هم هستیم، صف نیروی انتظامی را عقب زدند، از پل عبور کردند و وارد خیابان نادری شدند. نیروی انتظامی که نتوانسته جلو کارگران را بگیرد از پشت سر به کارگران حمله کرد و تعدادی از کارگران را مورد ضرب و شتم قرار داد. کارگران نیز با سرکوبگران حکومت درگیر شدند و مردم را به حمایت از خود فراخواندند. مردم اهواز در روزهای گذشته شاهد مبارزه قدرتمند کارگران فولاد و راهپیمایی های آنها در خیابان های مرکزی این شهر بوده و به اشکال مختلف از آنها حمایت میکنند.

کریم سیاحی یکی از نمایندگان کارگران فولاد در واکنش به یگان ویژه در مرکز شهر سخنرانی کرد و در بخشی از سخنانش چنین گفت: "ما نمیخواهیم شما از شهر محافظت کنید. ما خودمان از خودمان محافظت میکنیم. آقای نیروی انتظامی برو بدنال مافیا بگرد. برو باطومت را برای کسانی که کارگران را به این ذلت کشانده اند بکش، نه برای منی که برای حق خودم می جنگم". صحبت های نماینده کارگران با هورا کشیدن کارگران اعتصابی پاسخ میگیرد.

کارگران گروه ملی ۴ ماه مزد طلب دارند و تعطیل خطوط تولید، ادامه کار آنان در کارخانه را به خطر انداخته است. خواست کارگران پایان دادن به اختلاس ها و افشای دزدی های پشت پرده، به راه افتادن فوری تولید در تمام خطوط و امنیت شغلی آنان، پرداخت تمامی طلبهای آنها و پایان دادن به امنیتی کردن اعتراض آنها است. این کارگران در تمام روزهای گذشته قاطعانه از کارگران نیشکر هفت تپه حمایت کرده و یک خواست فوری آنها آزادی اسماعیل بخشی رهبر محبوب کارگران و سپیده قلیان خبرنگار بازداشت شده در نیشکر هفت تپه است.

حزب کمونیست کارگری کارگران و مردم در سراسر کشور و بویژه کارگران و مردم اهواز و خوزستان را به حمایت فعال از کارگران گروه ملی فولاد فرامیخواند و تاکید میکند که حضور گسترده خانواده های کارگران اعتصابی در راهپیمایی ها و تجمعات آنها نقش مهمی در تقویت این مبارزه و تحمیل خواست های آنها به مفتخوران حاکم است.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۳ آذر ۱۳۹۷، ۲۴ نوامبر ۲۰۱۸

هفدهمین روز اعتراض قدرتمند کارگران گروه ملی فولاد اهواز خانواده ها وارد میدان شدند

روز پنجم آذرماه کارگران گروه ملی فولاد اهواز در هفدهمین روز اعتراضات قدرتمندشان همراه با خانواده های خود در مقابل استانداری تجمع کردند و در سطح شهر دست به راهپیمایی زدند. راهپیمایی پرشور کارگران در خیابانهای شهر اهواز با وجود تدابیر شدید امنیتی و حضور گسترده مأموران انتظامی و پلیس ضدشورش انجام گرفت و کارگران با صف قدرتمند خود از سدهای نیروهای امنیتی و پلیس ضد شورش گذشتند و به خیابانهای مرکز شهر رفتند. حضور خانواده های کارگران شور دیگری به مارش کارگران داد و مشوقی بود که زنانی که شاهد این راهپیمایی بودند به تجمع کارگران پیوندند.

کارگران با شعار نه تهدید، نه زندان، هیچ سودی ندارد پاسخ سرکوبگری های حکومت را دادند و فریاد شعارهای آنها در خیابان های اهواز طنین انداخت. یک وجه مهم اعتراض امروز کارگران گروه ملی پیام همبستگی آنان به تمام کارگران ایران و کارگران نیشکر هفت تپه بود. از جمله کارگران گروه ملی با شعار "کارگران ایران اتحاد، اتحاد" کارگران در سراسر کشور را به اتحاد سراسری فراخواندند. همچنین با شعارهای "زندانی هفت تپه، آزاد باید گردد"، "فولاد، هفت تپه، اتحاد، اتحاد" همچنان محکم در کنار کارگران نیشکر هفت تپه ایستادند و بر تداوم اتحاد و همبستگی تاکید کردند. شعارهای دیگر کارگران فولاد در این روز عبارت بودند از: "ما کارگران فولاد، علیه ظلم و بیاد، می جنگیم، می جنگیم"، "خوزستان می میرد، ذلت نمی پذیرد"، "کارگر می میرد، ذلت نمی پذیرد".

کارگران اعلام کردند که فردا سه شنبه ساعت ۸ صبح بار دیگر در مقابل استانداری دست به تجمع خواهند زد و بدین طریق عزم راسخ شان را برای تداوم اعتصاب و اعتراض خود اعلام کردند.

حزب کمونیست کارگری از اعتصابات و تجمعات اعتراضی ده هزار کارگر هفت تپه و فولاد اهواز قاطعانه حمایت میکند، بر حضور وسیع خانواده ها در تجمعات کارگران تاکید میکند و کلیه کارگران، معلمان، دانشجویان و تشکل ها و نهادها مختلف آزادیخواه را به حمایت از آنها فرامیخواند. این اعتصابات فضای جامعه را بشدت تعرضی تر کرده و الگوی تازه ای مقابل کل جنبش کارگری داده است. حزب بر ایجاد شوراها کارگری در مراکز مختلف و اعتصابات سراسری تاکید میکند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۵ آذر ۱۳۹۷، ۲۶ نوامبر ۲۰۱۸



اطلاعیه های حزب...

از صفحه ۶

مجمع نمایندگان و سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه مقابل فرمانداری تجمع کردند و مجمع نمایندگان و سندیکای خود، این دستاوردهای مهم خود و کل جنبش کارگری جانانه دفاع کردند. کارگران نیشکر بدنبال این تجمع در سطح شهر شوش دست به راهپیمایی زدند.

یک خواست مهم کارگران آزادی فوری اسماعیل بخشی رهبر محبوب آنان و سپیده قلیان خبرنگاری که در این اعتراضات دستگیر شده اند، است. در این روز نیز شعار کارگر زندانی آزاد باید گردد، شعار محوری اعتراض کارگران نیشکر هفت تپه بود. کارگران همچنین با شعار فولاد، هفت تپه، اتحاد، اتحاد بر همبستگی با کارگران فولاد تاکید گذاشتند. در این روز شعارهای "مرگ بر ستمگر، درود بر کارگر"، "کارگر میمیرد ذلت نمی پذیرد" بر فضای شهر طنین انداخته بود. در این تجمع یوسف بهمنی یکی از نمایندگان کارگران سخنرانی کرد و به لحن تحقیرآمیز پیمانکار در مقابل کارگران اعتراض کرد.

همبستگی با کارگران نیشکر هفت تپه هر روز گسترده تر میشود. از جمله کارگزاری از سوی معلمان، کارگران و فعالان اجتماعی دیگر در حمایت از کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز به راه افتاده است که اولین طومار امضای پانصد نفره آنان منتشر شده است. بعلاوه کانون صنفی معلمان تهران در حمایت از کارگران هفت تپه و فولاد اهواز که محکم و استوار در کنار هم ایستاده اند، بیانیه ای داده و در آن خواستار آزادی بخشی و سپیده قلیان شده است. نمونه دیگر این حمایت ها اعلام همبستگی جمعی از کارگران سنندجی با خانواده هایشان است. لیست حمایت از کارگران نیشکر هفت تپه ضمیمه است.

گفتنی است که در رابطه با تهدیدات مدیر عامل شرکت، فرزانه زیلابی، وکیل کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، طی سخنانی به تاریخ تشکیل سندیکای نیشکر هفت تپه اشاره کرده و میگوید: "سندیکای کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه در سال ۱۳۵۳ تاسیس گردیده و آخرین انتخابات آن در سال ۱۳۸۷ برگزار شده و همچنان اعتبار قانونی خود را داشته و توسط سازمان بین المللی کار (ILO) به رسمیت شناخته شده و دولت ملزم و متعهد به پذیرش آن شده است". فرزانه زیلابی ادامه میدهد: "مدیریت شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه جایگاه خود را بداند. او در جایگاهی نیست که مجمع نمایندگان یا سندیکا یا هر تشکل آزاد کارگری برگرفته از قانون که در اسناد داخلی و بین المللی مورد حمایت قرار گرفته است را منحل کند یا با تهدید دستور جلوگیری از برگزاری انتخابات را صادر کند. لازم به ذکر است که ضمانت اجرا و مجازات تخلف از این حق قانونی در ماده ۱۷۸ قانون کار از قرار حبس از ۹۱ تا ۱۲۰ روز پیش بینی شده است". او تاکید کرد: "سندیکا و مجمع نمایندگان کارگران هر دو دارای وجهت و اعتبار مسلم قانونی هستند".

پیش بسوی اعتصابات سراسری

پیش بسوی ایجاد شوراها

حزب کمونیست کارگری ایران

۵ آذر ۱۳۹۷، ۲۶ نوامبر ۲۰۱۸

لیست همبستگی با

کارگران نیشکر هفت تپه:

- بیانیه جمعی از کارگران و خانواده های کارگری سنندج در حمایت از کارگران هفت تپه و فولاد اهواز!
- کارگران گروه ملی فولاد اهواز،

- پیام حمایتی اعضای اتحادیه هماهنگ کننده رانندگان سراسر کشور با امضاهای زیر است:

انجمن صنف تاکسیرانان مازنداران، انجمن صنف اتوبوسرانی قم، کانون صنف رانندگان کامیونداران کمپرسی یزد، کانون رانندگان و کامیونداران بندر عباس، اتحادیه حمل و نقل ترانزیت ایران ترکیه، جمعی از رانندگان ترانزیت ایران ایتالیا، حمل و نقل شهری تهران و حومه، سندیکای رانندگان استیجاری شهر تبریز، انجمن رانندگان استیجاری شرکت گاز، جمعی از کلای تهران و کرج، بوحد آتش نشانی قزوین رانندگان ماشین آلات سنگین معدن اراک، انجمن حمایت از رانندگان یاسوج، واحد آتش نشانی شوش و حومه، کانون صنفی آموزشگاههای راندنگی کشور، اتحادیه ماشین آلات کشاورزی شیراز.

- کارگران گروه صنایع کاغذ پارس،

- جمعی از رانندگان شهر اصفهان،

- جمعی از زندانیان سیاسی زندان رجایی شهر کرج،

- جمعی از معلمان عدالتخواه،

- حمایت ۳۰ انجمن صنفی کارگران ساختمانیبا امضاهای زیر: انجمن صنفی کارگران و استادکاران ساختمانی مریوان و سروآباد، انجمن صنفی کارگران ساختمانی سقز، انجمن صنفی کارگران ساختمانی دیواندره، ۴:

انجمن صنفی کارگران ساختمانی کامیاران، انجمن صنفی کارگران ساختمانی برقکاران کرمانشاه، انجمن صنفی کارگران ساختمانی شهرستان نظرآباد، انجمن صنفی کارگران ساختمانی

بانه، انجمن صنفی کارگران ساختمانی پاوه، انجمن صنفی کارگران ساختمانی جوانرود، کانون کارگران ساختمانی استان

کردستان، انجمن صنفی کارگران ساختمانی روانسر، انجمن صنفی کارگران ساختمانی هرسین، کانون انجمن های کارگری

(حرف) کرمانشاه، انجمن کارگران ساختمانی کرمانشاه، انجمن صنفی کارگری اسلام آباد غرب، انجمن صنفی کارگری

ساختمانی پاوه، انجمن صنفی کارگری شهرستان روانسر، ۱۸:

انجمن صنفی کارگران ساختمانی دهگلان، انجمن صنفی کارگری ساختمانی جوانرود، انجمن صنفی کارگری ساختمانی

سرپل ذهاب، انجمن صنفی کارگری ساختمانی قصرشیرین، انجمن صنفی کارگران ساختمانی شهری. وحسن اباد فشافویه،

انجمن صنفی کارگری ساختمانی سنقرکلیایی، انجمن صنفی کارگری ساختمانی کنگاور، انجمن صنفی کارگران ساختمانی

قروه، انجمن کارگری ساختمانی هرسین، انجمن کارگری ساختمانی صحنه، انجمن صنفی کارگران ساختمانی آبادان،

کانون کارگران ساختمانی خوزستان، انجمن صنفی کارگران ساختمانی رشت

- جمعی از معلمان، کارگران و دانشجویان،

- گروه اتحاد بازنشستگان،

- شورای بازنشستگان ایران،

- جمعی از دانشجویان دانشگاه چمران،

- کارگران گروه مینا در کرج،

- کارگران چادرملو،

- آموزش و پرورش شوش و شاورو،

- سندیکای شرکت واحد،

- اتحادیه آزاد کارگران ایران،

- انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه،

- فرهنگیان شاغل و بازنشسته،

- کارکنان کاغذپارس،

- کارکنان حریرپارس،

- کارکنان نیشکر میان آب،

- کارکنان و کارگران هپکو در اراک،

- کارکنان و کارگران پتروشیمی ماهشهر،
- کارگران عسلویه،
- کارگران قد شوش،
- کارگران آبداران شاورو،
- شورای کارگری بازنشستگان تامین اجتماعی،
- فرهنگیان شاورو و شوش،
- کارگران اداره مخابرات،
- نیروهای شرکتی مخابرات
- کارکنان بهداشت و درمان،
- فرهنگیان مشهد،
- بازاریان و مغازه داران شوش و...
- دانشجویان دانشگاه تهران
- دانشجویان دانشگاه علامه
- دانشجویان دانشگاه چمران
- طومار اعتراضی با بیش از دویست امضاء از سوی
فعالین کارگری و چهره های شناخته شده کارگری
- جمعی از شهروندان تهران
- جمعی از کارگران ساوه
- پیام همبستگی اتحادیه کارگری یونیفور کانادا با بیش از
۳۰۰ هزار عضو

- کنفدراسیون سراسری ایتالیا برای کار (CGIL)

- اتحادیه کارگران فورد آلمان

در خارج کشور نیز از سوی حزب کمونیست کارگری و تعداد دیگری از احزاب و سازمان های سیاسی آکسیونهایی در همبستگی با کارگران نیشکر هفت تپه و برای آزادی اسماعیل بخشی و دیگر بازداشت شدگان سازمان داده شده است. این همبستگی ها ادامه دارد.

این نیز قابل توجه است که وسعت و قدرت اعتراضات کارگران و مردم در صفوف حکومتیان هراس و شکاف انداخته و حتی "حوزه های علمیه" جمهوری اسلامی در قم، شوش، دزفول و اهواز و "جامعه روحانیت" در قم از اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه اعلام حمایت کرده اند!

فولاد اهواز:

"کارگران بیدارند از استثمار بیزارند"



روز سه شنبه ششم آذر ماه شمار زیادی از کارگران گروه ملی فولاد اهواز در هجدهمین روز اعتصاب خود بنا بر فراخوانی که روز قبل اعلام کرده بودند، مقابل استانداری خوزستان دست به تظاهرات زدند. فضایی پرشور و رزمنده و متحدانه را از همان ابتدا شاهد بودیم. کریم سیاحی از کارگران معترض گروه ملی در جمع کارگران طی سخنانی با فریاد اینکه یاری دهنده ای نیست که ما را یاری دهد گفت "ما برحقیم و می ایستیم". او با برشمردن خواسته های کارگران خطاب به چپاولگران حاکم گفت "شما نمیتوانید جلودار ما باشید". در این تجمع همچنین یکی دیگر از کارگران معترض به اسم غریب حویزروی سخنرانی کرد و گفت: "من کارگر دارم بهتر می گم. اشتباه کردید که فکر کردید ما سکوت میکنیم. اشتباه کردید که فکر کردید صفوف ما رو میتوانید بشکنید. صفحه ۸

تجمع بازنشستگان مقابل اداره کار درد ما درد شماست، مردم به ما ملحق شوید

از ساعت ده صبح امروز سه شنبه ۶ آذر بنا بر فراخوان از قبل اعلام شده بیس از ۳۰۰ نفر از بازنشستگان در ادامه تجمعات سراسری خود برای پیگیری خواستههایشان در مقابل اداره کار در تهران تجمع کردند. در این روز تجمع کنندگان با شعار "درد ما درد شماست، مردم به ما ملحق شوید"، مردم را به همبستگی با مبارزاتشان فراخواندند. در طول برگزاری این تجمع پلیس و لباس شخصی‌ها حضور پر رنگی داشتند. اما بازنشستگان با شعارهای کوبنده شان به اعتراضشان ادامه میدادند.

شعارهای دیگر بازنشستگان در این روز عبارت بودند از: "معیشت، امنیت، سلامت حق مسلم ماست"، "فریاد، فریاد. از این همه بی داد"، "حقوما ریالیه، هزینه‌ها دلاریه"، "اختلاسها کم بشه، مشکل ما حل میشه"، "حقوق های نجومی، فلاکت عمومی"، "ظلم و ستم کافیه، سفره ما خالیه"، "سفره ما خالیه، پر شما عالیه"، "خط فقر ۶ میلیون، حقوق ما دو میلیون"، "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "این همه بی عدالتی، هرگز ندیده ملت".

شعارهای اعتراضی بازنشستگان بیان خواستههای آنان است. بازنشستگان در این روز با فریاد شعارهایشان اعتراض خود را به زندگی زیر خط فقر، به گرانی و تورم، به تبعیض و نابرابری و به کل بساط دزدسالار سرمایه داری حاکم و فاصله عمیق طبقاتی در جامعه اعلام کردند.

در این تجمع اعتراضی بازنشستگان تراکت هایی در دست داشتند که بر روی آنها محورهای اعتراضاتشان را نوشته بودند. حق تشکل، اعتراض و اعتصاب و آزادی معلمان زندانی دو محور مهم این دست نوشته ها بودند. متن تراکت های بازنشستگان عبارت بودند از: "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "تشکل، اعتراض و اعتصاب حق مسلم ماست"، "جای معلم، زندان نیست"، "همه نهادهای مسئول باید جوابگوی فقر و فلاکت بازنشستها باشند"، "مبارزه با فساد و اختلاس یکی از راههایی است که امنیت حقوقی و رفاهی بازنشستگان را تضمین میکند".

تجمع اعتراضی بازنشستگان در این روز تا ساعت یازده ادامه داشت و در این ساعت وقتی گروهی چند نفره از "بازنشستگان پارک شهر" میخواستند جهت مذاکره به داخل محوطه و سالن وزارت کار بروند، جمعیت با بی نتیجه دانستن مذاکره با کسانی که در چپاول سفره بازنشستگان دست دارند، به نشانه اعتراض به تجمعشان خاتمه دادند. بازنشستگان در این روز بر ادامه اعتراضاتشان تاکید کردند.

گفتنی است که در روز قبل از این روز نیز جمعی از بازنشستگان بانگها در تهران در اعتراض به پایین بودن سطح حقوقهایشان مقابل صندوق بازنشستگی بانگها تجمع داشتند. اعتراضات و خواستههای بازنشستگان شایسته وسیعترین حمایت هاست.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شورا ها
حزب کمونیست کارگری ایران
۶ آذر ۱۳۹۷، ۲۷ نوامبر ۲۰۱۸

نیشکر هفت تپه آزادی اسماعیل بخشی نماینده محبوسان و سپیده قلیان خبرنگار و فعال دانشجویی است که در جریان اعتراضات کارگران هفت تپه بازداشت شده است.

کارگران بعد از تجمع در مقابل فرمانداری به سمت خیابانهای اصلی شهر حرکت کردند و در میدان هفت تپه با فریاد کارگر زندانی آزاد باید گردد و با شعار "همشهری با غیرت حمایت، حمایت" مردم شهر را به پیوستن به صف خود فراخواندند. مردم به اشکال مختلف از حرکت کارگران حمایت میکردند. کارگران نیشکر هفت تپه به بساط دزدسالاری حاکم که باعث به تعطیلی کشیده شدن خطوط تولید این کارخانه و نا امنی شغلی آنها شده است و تعویق پرداخت دستمزدهایشان اعتراض دارند. یک خواست فوری کارگران کوتاه کردن دست سرمایه داران خصوصی و قرار گرفتن شرکت زیر نظارت و کنترل خود کارگران است.

در رابطه با اعتراضات قدرتمند این کارگران نماینده ویژه وزارت کار در "امور نیشکر هفت تپه طی سخنانی با اعلام اینکه آبان و آذر ماه فصل برداشت نیشکر است و اگر این کار صورت نگیرد ۳۵ هزار تن محصول ازبین میرود، ابراز نگرانی کرده و با التماس میگوید "اگرچه کارگران هفت تپه و گروه ملی فولاد به کارفرمایان خود بی اعتماد شده اند، اما به وعده های وزارت کار اعتماد کنند و قطعاً مطالبات آنها پیگیری می شود". ادامه اعتراضات نشان میدهد که کارگران به آنها مطلقاً اعتماد ندارند. کارگران نیشکر هفت تپه با شعارهایی چون "مرگ بر ستمگر، درود بر کارگر"، "کارگر می میرد، ذلت نمی پذیرد"، "اسدیگی حیا کن هفت تپه را رها کن"، اعتراض خود را به کل این بساط چپاول و حاکمیت مشتی سرمایه دار دزد و مفتخور اعلام کردند.

گفتنی است که در این روز مامورین برای دستگیری علی نجاتی از چهره های شناخته شده کارگری و رئیس سابق و عضو کنونی سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه به منزل مسکونی وی هجوم آوردند اما بعلت عدم حضور او موفق به دستگیری نشدند. حزب کمونیست کارگری تهدید و فشار بر روی کارگران معترض نیشکر هفت تپه را شدیداً محکوم کرده و میخواید این پیگرداها فوراً متوقف شوند.

همبستگی با کارگران نیشکر هفت تپه همچنان ادامه دارد و هر روز گسترده تر میشود. حزب کمونیست کارگری همه کارگران را به گسترش اعتراضات و اعتصابات همزمان و سراسری فرا میخواند. گسترش اعتراضات کارگری همزمان و اعتصابات سراسری یک شکل موثر برای تقویت و حمایت از کارگران نیشکر هفت تپه و گروه ملی فولاد اهواز است. باید فعالانه از آزادی اسماعیل بخشی و سپیده قلیان دفاع کرد و تعرض به علی نجاتی را وسیعاً محکوم نمود. نمایندگان حکومت منفور اسلامی و قیحانه از کارگران تقاضای اعتماد میکنند و همزمان نمایندگان محبوسان را زندانی میکنند. ننگ و نفرت بر حاکمان سرمایه!

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی تشکیل شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۶ آذر ۹۷، ۲۷ نوامبر ۲۰۱۸

ما ما خریدنی نیستیم. تا رسوا تون نکنیم از کف خیابون نمیریم". سخنران دیگری از زنان شهر بود که به جمع کارگران پیوسته و در حمایت از مبارزات آنان صحبت کرد. کارگران با شعارهایشان این سخنرانی ها را مورد پشتیبانی و تایید قرار میدادند.

همزمان با این تجمع مامورین سرکوب یگان ویژه در باغ فرمانداری مستقر شده بودند تا کارگران را از ادامه حرکت منصرف کنند. اما سیل جمعیت کارگران با فریاد شعارهایشان بطرف شهر به حرکت درآمد و طنین "شعار هر کارگر، مرگ بر ستمگر" بر فضای خیابانهای شهر طنین انداخت. کارگران در صفوفی وسیع از روی پل نادری عبور کردند و با شعار دادن و با مشتتهای گره کرده توجه مردم را به خود جلب میکردند.

دیگر شعارهایی که کارگران فریاد میزدند از جمله عبارت بود از: "ما کارگران آهنیم، ریشه ظلمو میکنیم"، "گروه ملی ما هستیم تا آخر میایستیم"، "می ایستیم، می میریم، حقمونو میگیریم"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "نه حاکم نه دولت نیستن به فکر ملت"، "کارگر می میرد ذلت نمی پذیرد". یک پلاکاره بزرگ با شعار "کارگران بیدارند از استعمار بیزارند" در پیشاپیش صف کارگران قرار داشت.

کارگران گروه ملی با شعار "زندانی هفت تپه، آزاد باید گردد" حمایت و پشتیبانی خود را از اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه اعلام کرده اند. خواست فوری کارگران فولاد اهواز پرداخت ۴ ماه دستمزد معوقه و به راه اندازی خطوط تولید کارخانه و ایمنی شغلی شان است. کارگران گروه ملی فولاد اهواز در مبارزاتشان بر ایجاد شوراها و به میدان آمدن خود کارگران برای پایان دادن به این بساط دزدی و استعمار و چپاول تاکید میکنند. تجربه نیشکر هفت تپه الگوی خوبی برای تشکیل این شوراها در گروه ملی و در همه مراکز کارگری است.

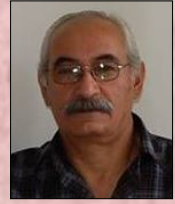
حزب کمونیست کارگری از خواستهها و مبارزات کارگران گروه ملی فولاد اهواز قاطعانه حمایت میکند و همه مردم اهواز و تمامی کارگران را به حمایت از آنان فرا میخواند. حضور هر چه وسیعتر خانواده های کارگری در این مبارزات بسیار مهم است.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۶ آذر ۱۳۹۷، ۲۷ نوامبر ۲۰۱۸

کارگران نیشکر هفت تپه: ما همه بخشی هستیم

روز ۶ آذر تجمعات اعتراضی کارگران نیشکر هفت تپه با شور و اتحاد ادامه دارد. کارگران در بیست و سومین روز از اعتراضات خود با شعارهایی چون "اسماعیل رو گرفتند، ما همه بخشی هستیم"، "نه تهدید نه زندان دیگر اثر ندارد"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد" در شمار زیاد و صفوف فشرده ای مقابل فرمانداری شوش تجمع کردند و بر خواستههای خود با قاطعیت تاکید کردند. کارگران در این اعتراضات عزم جزم خود را برای تاووم مبارزاتشان اعلام میکنند. اولین خواست فوری کارگران

پیش به سوی ایجاد شوراهای کارگری



عبدل کلپریان

یادداشت‌های هفته:

کولبران و هفت تپه ای ها متعلق به یک جنبش و صف واحد هستند

که در صورت بدست گرفتن سکان کل جامعه میتواند نه تنها پدیده کولبری را بتاریخ بسیار بلکه یکبار برای همیشه فلاکت عمومی جامعه ایران و کردستان را پایان دهد.

میخواهم بگویم اتفاقا در جمله اول، صباح شیپور را از سر درستش مینوازده و تا اینجا من همچنان خود را در اظهار نظر صباح عزیز شریک و همسو میدانم.

اما در ادامه مینویسد: ولی هیچوقت فراموش نخواهیم کرد که یک غیر کرد ایرانی نگفت من هم یک کولبرم.

اینجا است که صباح شیپور را از سر گشاد بدست میگیرد که منتهی به استنتاجات نادرست میشود. صباح نه بصورت فرد که در جمله اول کامنتش آورده بود بلکه بصورت جمع (نخواهیم) کرد، جمله بعدی اش را ادامه داده است.

معنی جمع بستن این کلمه اگر اتفاقی نبوده باشد و آگاهانه از جمع بستن کلمه (نخواهیم) استفاده کرده باشد معنی دارد. معنی آن میتواند در قامت یک سازمان، در قامت یک جمع یا حتی "ملت" و اینجا "ملت کرد" را به خواننده بدهد.

اشکال جدی جمله دوم از اینجاست که شروع میشود که ممکن است صباح گرامی خود یا جمع را بعنوان حتی نماینده کولبران تصور کرده باشد که باز هم نادرست است. به این اعتبار نادرست است که حمایت و پشتیبانی از مبارزات کارگری و یا از مبارزات و اعتراضات اجتماعی چه بصورت فردی یا جمعی و از سر حمایت‌های شرط و شروط دار و قرض دادن و قرض گرفتن نیست. حمایت از مبارزات و اعتراضات هفت تپه و کارگران بخشهای دیگر با منت گذاشتن هم حمایت نیست که گفته شود: "یادت باشد من از تو حمایت کردم ولی تو از من حمایت نکردی"



پاسخی به صباح امینی عزیز و دوست قدیمی ام

صبح در کامنتی نوشته است: "من هم از هفت تپه ای ها حمایت میکنم، ولی هیچوقت فراموش نخواهیم کرد که یک غیر کرد ایرانی نگفت من هم یک کولبرم."

نخواستم با دو جمله بر سر این کامنت حرفی زده باشم. لازم دیدم پاسخ به این دیدگاه را که میتوان ساعتها سرش نوشت و حرف زد جداگانه بنویسم.

اولا این مسئله واقعتی ندارد که گویا در خارج از محدوده کردستان از کولبران حمایت نشده است. در بحبوحه اعتراضات و حمایت‌های مردمی در شهرهای کردستان از کولبران، بودند بسیاری از نهادها، شخصیتها، از کارگران و بخشا مردم در خارج از شهرهای کردستان که از کولبران حمایت کردند. اگر کسی لحظه ای در گوگل مسئله حمایت از کولبران را سرچ کند متوجه خواهد شد که جمعیتها و نهادهایی به حمایت از کولبران در خارج از شهرهای کردستان برخاستند.

صبح ابتدا میگوید: من هم از هفت تپه ای ها حمایت میکنم. شخصا خوشحالم که صباح عزیز چنین حرفی میزند. او از طبقه ای حمایت کرده است که بهترین دوران زندگی صباح برای تقویت، متشکل و متحد کردن این طبقه سپری شد. او از طبقه ای حمایت میکند که این طبقه میتواند سرنوشت کل جامعه ایران را دگرگون کند. او از هفت تپه و بردست از طبقه ای حمایت میکند

معنی جمله دوم صباح گرامی این است: کارگر هفت تپه و مدافعین کارگران، بدانید که من یا ما گفتیم و نوشتیم که یک هفت تپه ای هستم یا هستیم اما متوجه باشید که شما نگفتید یک کولبر هستید. علیرغم بار منت گذاری و بدهکار کردن کارگران هفت تپه، جمله صباح دست به جدا سازی "ملیتی" میزند و کولبران را بحکم اینکه در کردستان رژیم این کار را به آنان تحمیل کرده و یک موقعیت جهانی برایشان ایجاد کرده است از هفت تپه ای ها با مارک "ملت" جدا میکند.

ایراد و خطای یادداشت و کامنت صباح عزیز اینجاست که هفت تپه و کولبران را نه بعنوان یک طبقه که تحت فشار و تحمیل فقر و بردگی از سوی رژیم قرار دارند بلکه از منظر "ملیت" جدا میکند.

نکته دیگری که باید اضافه کنم این است که اگر این جداسازی صباح عزیز را ببینیم، او یا هر کس دیگری که موافق نوشته اش هست باید توضیح دهد که اگر معیار "کرد" بودن یا "ملیت" است، چه تعریف و جایگاهی برای "پاسداران کرد" (جاش ها) در این یکدست قابل شدن "ملت کرد" قائل است؟ و بالاخره چه جایگاهی برای نمایندگان "کرد" در مجلس اسلامی قایل است؟

همچنین آنگونه که هادی عزیز هم در پاسخش در کامنتی بدست اشاره کرده است چه جایگاهی برای صدها انسانی که در کردستان بدنیا نیامده بودند و طی یک دهه در کنار صباح عزیز به مبارزه علیه حکومت اسلامی برخاستند و با گلوله همان "پاسداران محلی" جانباختند قائل است؟

بنابراین اگر جدا کردن کولبران از هفت تپه ای ها را تحت عنوان "کرد" و "فارس" و غیره معیار قرار دهیم و سر هفت تپه منت بگذاریم، نه تنها هیچ حقانیتی برای جانباختگان دهه شصت خورشیدی که هم‌رمز صباح ها و از شهرهای دیگر ایران بودند قائل نخواهیم بود بلکه آب پاکی هم بروی دست "پاسداران محلی" و مجلس نشینان "کرد" هم ریخته شده است. این گفته ها و این جدا سازیها هر اندازه بیاید و برود باز هم هفت تپه ای ها و کولبران و تمامی مزدبگیران که سفره شان خالی است

و دارند برای یک زندگی انسانی میجنگند خود را در کنار هم می بینند و احساس میکنند چرا که دشمن آنان دشمنی واحد و طبقاتی است. امیدوارم نکاتم روشن بوده باشد.

۲۶ نوامبر ۲۰۱۸

این فرصت تاریخی نباید از دست برود



جنبش کارگری در جریان مبارزه، اعتراض و اعتصابش در ایران، هرگاه رهبر یا رهبران اعتراضات کارگری از سوی حکومت اسلامی دزدان و غارتگران هستی مردم بازداشت شده و به زندان افکنده میشوند بلافاصله رهبران دیگری بسرعت جای آنان را پر میکنند .

اسماعیل بخشی و دیگر فعالین کارگری را بازداشت و زندانی کردند اما در بخش دیگر تولید، کریم سیاحی به میدان میاید و نه تنها صدای اعتراض و حق طلبی فولاد اهواز را بر عهده دارد بلکه تلاش برای حمایت‌های سراسری از کارگران هفت تپه و جلب حمایت برای آزادی فعالین و رهبران هفت تپه را نیز برعهده میگیرد.

مهمتر از همه اینها حضور گسترده زنان در این تجمعات و بمیدان آملن زنانی که نقش سخنگو و رهبری اعتصاب و تجمعات را بر عهده دارند. ظهور یکی پس از دیگری رهبران و نمایندگان زن و مرد بر بستر حرکت‌های اعتراضی و اعتصابات کارگری در تاریخ جنبش کارگری در ایران سابقه نداشته است و این ویژگی و خاصیت مبارزه طبقاتی عصر حاضر در جامعه ایران است .

نقطه عطف شگرف و شورانگیزی که میتواند الگوی مبارزات کارگری در همه جا باشد. رژیم اسلامی و دزدان حاکم بر هستی و ثروت جامعه ایران اگر قرار باشد کریم سیاحی ها را هم بازداشت و زندانی کند باز هم دهها اسماعیل بخشی، دهها زن سخنور، دهها مسلم آرمنند و کریم سیاحی ها

بسرعت جای آنان را پر خواهند کرد. حکومت اسلامی ضد کارگر و ضد انسان در مقابل این نسل از فعالین کارگری، در مقابل نمایندگان و سخنگوییان کل جامعه که بعضا در همین نظام جهنمی چشم بجهان گشوده اند تاب نخواهد آورد .

صنوف بالایی ها در نظام اسلامی هیچگاه تا به این حد بهم ریخته و در مانده نبوده است .

مبارزه کارگران و تمامی بخشهای مختلف جامعه علیه کثافت، فساد، دزدی، پول شویی و فرار یکی پس از دیگری کاربدستان این بختک اسلامی با دزدیدن میلیارد دلار از هستی و دسترنج کارگران و مردم، وارد مرحله نهایی و به اعتباری وارد روند دوازدهم شده است .

با مبارزات، اعتراضات و اعتصابات سراسری، با بسیج و فراخوان به کل جامعه از سوی تشکلهای و فعالین همه بخشهای کارگری در سراسر کشور، میتوان ضربات نهایی را بر پیکر این نظام در حال ریزش وارد کرد. این نظام قرون وسطایی و چپاولگر رفتنی است اما فرصت تاریخی بدست آمده کنونی نباید از دست برود .

۳۰ آبان ۹۷

به زندان انداختن منتقد و روزنامه نگار دفاع از حقوق کودک نیست!



تصویری که می بینید، "نریمان صابر" روزنامه نگار منتقد و "نما" (پدر و فرزند)

کمتر کسی هست که با چهره "نما" دختر بچه ای که زیر سن ده سال است آشنا نباشد. او در بسیاری از ویدئوها که توسط پدرش "نریمان صابر" که در نقد کاربدستان حکومت اقلیم کردستان پیرامون (نبود آب، برق، رفاهیات، دزدی و فساد و غیره) تهیه میکند، با ایفای نقش نما در این ویدئوها فعالیت طنز، نقد و کار روزنامه نگاری را پیش میبرد .

از سوی دیگر "نما" دارای توانایی، خلاقیت و هوشیاری منحصر بفردی در میان هم سن و

یادداشتهای ...

از صفحه ۹

سالان خود است. نما علاوه بر ایفای نقش در این ویدئو ها، شعر میسراید و داستان و قسه میگوید. بقول خودش حتی توانسته است از طریق همین ویدئو ها و سوزه های پدرش در راه اندازی کمپین، جان کودکانی را از مرگ نجات دهد.

ماجرا از این قرار است که گروهی از مدافعین حقوق کودکان به اصطلاح در دفاع از حقوق "نما" بعنوان يك کودک که نباید در پرداختن به مسایل سیاسی و آنچه که تا کنون بدان مشغول بوده است ظاهر شود و باید در دنیای کودکی خویش قرار داشته باشد، از پدر نما به پلیس شکایت کرده اند و بنا به این شکایت پلیس حکومت اقلیم نریمان صابر پدر نما که سازنده ویدئوهای نقد و طنز با مجری گری "نما" تهیه میشود را دستگیر و به زندان انداخته است.

در رابطه با این مسئله نکاتی هست که بنظر لازم است مورد اشاره قرار بگیرد.

اینکه کودکان باید در دنیای کودکی خود جای بگیرند و درگیر و دخیل در مسایل سیاسی، عقیدتی و هر آنچه که ممکن است در شکل گیری افکار و باورهای آنان از سوی بزرگسالان و سیستم حاکم که مضر و مخرب به حال کودکان است دور نگه داشته شوند يك اصل اساسی در حمایت از حقوق کودکان است.

فعالیتهای منتقدانه نریمان صابر، طنز و روزنامه نگاری او که بدست سیستم حاکم و مقامات آنرا زیر ضرب میگیرد نه تنها نباید مورد تعقیب قرار گیرد بلکه تلاشی بحق است که هر آدم بزرگسالی بعنوان فعالیت سیاسی اش باید آزاد باشد حرفش را رو به جامعه و افکار عمومی بزند.

ایراد و ضعف کار نریمان صابر پدر نما در این است که برای جذابیت بخشید، اثر گذاری و جا انداختن تلاشهای بسیار خوبی که انجام میدهد، بنادرست از خلاقیت و توانایی های نما استفاده میکند. اگر نقدی به نریمان صابر باشد این است که نباید از این امکان که گویا

چون او پدر نما است و نما هم دارای این ظرفیت بالا است بنابراین اهداف سیاسی و اجتماعی اش را (ولو بسیار ارزنده هم باشد) از کانال نما بعنوان يك دختر بچه از او استفاده کند.

خانواده نما و حتی نهادهای دولتی و غیر دولتی باید استعدادهای و توانایی های کودکانی همچون نما را با در اختیار نهادن امکانات لازم در شکوفایی خلاقیتهايشان بکار بگیرند. دنیای کودکان نه تنها شادی، بازی و امنیت بلکه رشد استعدادهای آنان با هزینه های اختصاص داده شده میتواند مسیر درست خود را طی کند.

هر چند از حکومت اقلیم کردستان نمیتوان چنین انتظار بیهوده ای داشت.

جای نریمان صابر زندان نیست و او بلافاصله باید از زندان آزاد شود و فعالیتهای روزنامه نگاری، طنز و نقد عمیق و ریشه ای علیه کاربدستان و کل حکومت را آزادانه و بدون هیچ تهدیدی انجام دهد. این حق بی چون و چرای هر فعال سیاسی و هر روزنامه نگاری است. و اما نکته آخر در مورد جمعیت یا گروه بنام مدافعین حقوق کودکان در سلیمانیه که از نریمان شکایت کرده است. بنا به گفته نریمان صابر سه نفر از افراد مدافع حقوق کودک که از وی شکایت کرده اند از دوستان خود وی بوده که زمانی توسط نریمان صابر در کار روزنامه نگاری آموزش دیده اند.

"مدافعین حقوق کودک" در سلیمانیه از آنجا که رابطه و دوستی نزدیک با نریمان را داشتند و بعضا خود را نیز منتقد حاکمیت میدانند آیا نمیتوانستند این موضوع را از کانال نریمان صابر پدر نما حل و فصل کنند؟ آنها نمیتوانستند بجای شکایت از نریمان و درپیش گرفتن مجاری "قانونی" که در کردستان عراق هیچگونه خاصیتی در حق به شهروندان بویژه در حق به کودکان ندارد این موضوع را به نتیجه برسانند. نمیتوانستند نریمان را در يك فضای سالم و دوستانه قانع کنند که نباید از نما بعنوان يك کودک برای امر سیاسی و انتقادی اش استفاده کند؟

کاری که "مدافعین حقوق کودک" در سلیمانیه و از طریق شکایت انجام داده اند، نه تنها بر روحیه و افکار و احساسات "نما" که اکنون پدرش در زندان است تاثیر مخرب خواهد گذاشت بلکه يك روزنامه نگار منتقد را هم بزور پلیس به زندان انداخته اند. کجای این حرکت و این شکایت دفاع از حقوق کودک است؟

"مدافعین حقوق کودک" در سلیمانیه آیا نمی بینند که روزانه هزاران کودک دست فروش در گوشه خیابانهای شهرهای کردستان عراق مشغول فروختن نیلون، آدامس و سیگار و غیره هستند؟

"مدافعین حقوق کودک" در سلیمانیه کی و در کجا حرکتی در دفاع از کودکان کار در سطح شهر انجام داده اند؟

آیا تا کنون شکایتی از مقامات حکومت مبنی بر وضعیت و شرایط زندگی کودکان کار ارائه داده اند؟ "مدافعین حقوق کودک" در سلیمانیه و دیگر شهرهای کردستان عراق شاید بهتر باشد که تحرکات جدی و اجتماعی در دفاع از حقوق کودکان از خود نشان دهند.

شخصا "دفاع" آنان از نما را در چهارچوب حمایت از کودک نمیدانم. بالاتر در مورد نما و اینکه نریمان صابر پدرش نباید او را برای اهداف سیاسی و تقدش به حاکمیت بکار گیرد توضیح دادم.

اما "مدافعین حقوق کودک" در سلیمانیه میتوانند نگاهشان را بسمت خیابانهای سلیمانیه، اربیل و دیگر شهرهای کردستان عراق بچرخانند که تا پاسی از شب صدها و هزاران کودک مشغول دست فروشی هستند.

"مدافعین حقوق کودک" در سلیمانیه باید نوك حمله و اعتراض خود را متوجه حاکمیت بکنند باید همان کاری را در دفاع از حقوق کودکان انجام دهند که متأسفانه در غیاب آنان نما دختر بچه زیر ده سال دارد انجام میدهد.

"مدافعین حقوق کودک" در سلیمانیه تا همینجا متأسفانه در کنار حکومت ایستاده اند و يك منتقد سیاسی را به زندان همان حاکمیت انداخته اند. حکومت اقلیم

تحصیل رایگان حق همگان!

آموزش عمومی اجباری و رایگان تا سن ۱۶ سالگی
آموزش عالی رایگان و در دسترس برای همه متقاضیان



آموزش حق همه است و دسترسی افراد به آموزش و دوره های آموزشی باید کاملا از سطح درآمد خانواده مستقل باشد.

۵/۱/۱

زندانی سیاسی آزاد باید گردد

دیکتاتورها از آزادی اندیشه وحشت دارند. زیرا پاسدار سلطه اقلیت چپاولگر بر اکثریت مردمند. اولین گام انقلاب مردم در همه جا گشودن در زندانهاست. انقلابی که در ایران آغاز شده با اعلام قانون آزادی بی قید و شرط عقیده و بیان و تشکل، برای همیشه به دوران زندان و زندانهای سیاسی پایان خواهد داد. با سرنگونی توحش اسلامی سرمایه داران، عزیزان در بند را از چنگ دژخیمان رها خواهیم کرد و جامعه ای انسانی و آزاد و برابر را پی خواهیم ریخت.

زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری!
حزب کمونیست کارگری ایران

نه تنها از این واقعه ناراضی نیست بلکه از طریق همین "مدافعین حقوق کودک" ذهن يك روزنامه نگار جدی و منقد حکومت را بسته است. "مدافعین حقوق کودک" در سلیمانیه سوراخ دعا را گم کرده اند. آنان اگر مدافع واقعی حقوق کودک میبودند میتوانند از طریق همان روابط دوستانه ای که با نریمان صابر داشتند طی يك یا چند نشست و مناظره او را قانع کنند که نقد بحق و درستش را از طریق "نما" انجام ندهد. نه اینکه با زور اسلحه و پلیس يك منتقد جدی حکومت را روانه زندان کنند.

۲۸ نوامبر ۲۰۱۸

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!